

## ۱۶ آذر و بر آمد مستقل چپ دانشجویی؟



چپ به دلیل سرکوب و نیز وجود گرایشات دیگر دانشجویی به تنهایی نمی تواند مبارزه علیه استبداد و دفاع از منافع دانشگاه را پیش برد. این به نفع چپ های دانشجویی است که از طریق متحد شدن و همکاری و ارتباط مدام با دیگر طیف های دانشجویی حضور خود را در دانشگاه تقویت و گسترش دهند. دانشگاه برای پایین آوردن هزینه های فعالیت سیاسی و مقاومت در برابر دیوار استبداد نیاز به همه فعالین دانشجویی دگر اندیش دارد. کمک به یافتن شعارهای واحد برای ایجاد حدی از تمرکز در فعالیت های دانشجویی بسیار برای چپ می تواند مفید و موثر واقع شود.

۱۴ دسامبر ۲۰۰۷

## مقدمه

۱۶ آذر ۱۳۸۶، روز تاریخی جنبش دانشجویی ایران فرا رسید. جریانات متنوع دانشجویی همواره در دانشگاه های کشور این روز را به عنوان سمبل مقاومت جنبش دانشجویی گرامی می دارند. در واقع ۱۶ آذر چراغی است که هیچگاه در تاریخ مبارزات دانشجویی کشورمان خاموش نخواهد شد. در این روز در دانشگاه سنت پر این است که تشکل های دانشجویی با برگزاری آکسیون های گوناگون، مطالبات دمکراتیک و ضد استبدادی خود را با صدایی بلند در دانشگاه ها، اعلام می کنند. امسال در روزهای نزدیک به این روز تاریخی، ارگان های امنیتی حکومت یورش برنامه ریزی شده و همه جانبه ای را بر علیه گرایشات چپ دانشجویی پیش بردند و بیش از ۳۰ فعال دانشجویی دستگیر و روانه زندان اوین شدند. برای آزادی دستگیر شدگان و بزرگداشت سالگرد ۱۶ آذر، چندین تجمع دانشجویی به صورت مستقل و جدا از هم در سطح بعضی از دانشگاه های کشور برگزار شد.

وضعیت موجود دانشگاه از سال گذشته تا امروز

با آمدن جریان راست افراطی و تسلط و حضور همه جانبه در سه قوه جمهوری اسلامی، فعالین اجتماعی و مشخصاً جریانات منتقد دانشجویی با هزینه های زیادتری نسبت به قبل مواجه شده اند. تمام فاکتورهای موجود حاکی از این اند که در سال های اخیر دولت احمدی نژاد برنامه گسترده و سازمان یافته ای را برای خاموش کردن صدای دانشجویان منتقد در دانشگاه های کشور پیش می برد. حکومت برای تضعیف مقاومت دانشجویان روی اختلافات و تفاوت های موجود میان فعالین دانشجویی سرمایه گذاری سنگینی کرده است. هدف از ایجاد تفرقه در بین صفوف دانشجویان ایجاد انشعاب در درون تشکل های دانشجویی و تکه تکه کردن آنها است تا بتوانند با هزینه کمتر به سرکوب جنبش دانشجویی بپردازند. نیروهای حاکم می کوشند از همه وسایل برای کنترل و محدود کردن فعالیت جنبش دانشجویی بهره گیرند. برنامه انشعاب و شکستن تشکل سراسری دانشجویی (دفتر تحکیم وحدت)، ایجاد مانع برای تشکل یابی جریانات چپ دانشگاهی، انحلال رسمی انجمن های اسلامی و تلاش برای تاسیس و تقویت انجمن ها و تشکل های دانشجویی وابسته به جناح حاکم از بسیجیان و عوامل سپاه، اعمال محدودیت در فعالیت های متشکل دانشجویی، ایجاد فضای پادگانی و امنیتی در دانشگاه ها، زیر سنوال بردن استقلال دانشگاه ها، تقویت همه جانبه نهادهای شبه نظامی و انتصابی با اختیارات نامحدود، کنترل، ممنوعیت و یا محدود کردن نشریات دانشجویی، فیلترکردن و دشوار نمودن فعالیت آزادانه سایت ها و وبلاگ های دانشجویان دگراندیش، حذف نمایندگان دانشجویان در کمیته های ناظر بر نشریات، محروم کردن دائمی و موقت دانشجویان از ادامه تحصیل به خاطر فعالیت های سیاسی - صنفی، ادامه دستگیری و محاکمات دانشجویان در سطحی وسیع و ممانعت از ادامه تحصیل آن ها، تصفیه و بازنشسته کردن اجباری استادان مستقل و برجسته و چهره های علمی دانشگاهی، سلب حق انتخاب و مشارکت اعضای هیات علمی و دانشجویان در اداره دانشگاه ها، ... از جمله ابزارهایی است که ارگان های حکومتی در این راه مورد استفاده قرار می دهند. در زمینه تائید مسائل فوق مناسب است به آمار ارائه شده در گزارش سالانه فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و آمریکای شمالی در خصوص نقض حقوق شهروندی، اجتماعی و سیاسی دانشجویان در ایران توجهی

داشته باشیم. (این گزارش فاصله زمانی دسامبر ۲۰۰۵ تا نوامبر ۲۰۰۷ را در بر می گیرد). البته در خود گزارش آمده است که به دلیل وجود سانسور خبری در ایران این گزارش نمی تواند در برگیرنده تمامی موارد نقض حقوق شهروندی دانشجویان و سرکوب مطالبات آن ها در ایران باشد:

- دانشجویان بازداشت شده: ۱۲۳ مورد در سال ۱۳۸۶، ۷۰ مورد در سال ۱۳۸۵
- بازجویی از دانشجویان: ۴۶ مورد در سال ۱۳۸۶، ۴۶ مورد در سال ۱۳۸۵
- احضار به دادگاه: ۲۶ مورد در سال ۱۳۸۶، ۳۳ مورد در سال ۱۳۸۵
- محاکمات دانشجویان: ۱۱ مورد در سال ۱۳۸۶، ۲۱ مورد در سال ۱۳۸۵
- احکام صادر شده توسط دادگاه ها: ۳۴ مورد در سال ۱۳۸۶، ۲۶ مورد در سال ۱۳۸۵
- احضار به کمیته های انضباطی: ۳۳۶ مورد در سال ۱۳۸۶، ۲۱۷ مورد در سال ۱۳۸۵
- احکام صادر شده توسط کمیته های انضباطی: ۳۳۱ مورد در سال ۱۳۸۶، ۲۰۲ مورد در سال ۱۳۸۵
- اخراج از دانشگاه: ۳۴۴ مورد در سال ۱۳۸۶، ۳۴۴ مورد در سال ۱۳۸۵
- ضرب و شتم دانشجویان: ۲ مورد در سال ۱۳۸۶
- تعلیق از تحصیل: ۲۴ مورد در سال ۱۳۸۶
- تهدید و ارباب: ۴ مورد در سال ۱۳۸۶
- انحلال نهادهای دانشجویی: ۲۷ مورد در سال ۱۳۸۶، ۴۴ مورد در سال ۱۳۸۵
- توقیف نشریات دانشجویی: ۳۷ مورد در سال ۱۳۸۶، ۴۴ مورد در سال ۱۳۸۵
- جلوگیری از اجرای مراسم: ۱۴ مورد در سال ۱۳۸۶، ۱۵ مورد در سال ۱۳۸۵
- حمله به نهادهای دانشجویی: ۱ مورد
- بازرسی منازل: ۳ مورد
- اعتصاب غذای دانشجویان: ۴ مورد

البته آقای مهدی عرب شاهی از شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و نیز دبیر انجمن اسلامی دانشگاه مازندران احضار دانشجویان به کمیته های انضباطی در دانشگاه ها را بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ مورد اعلام کرده اند. در ماه ها و هفته های اخیر ارگان های امنیتی جمهوری اسلامی در همراهی با وزارت علوم، روسای برخی دانشگاه ها و بخش حراست باز هم بر ابعاد سرکوب فعالین دانشجویی افزوده اند. پس چنان که روشن است برنامه دولت احمدی نژاد افزایش هزینه فعالیت سیاسی و متشکل در دانشگاه ها از طریق سرکوب، حذف و ایجاد رعب و وحشت است. درچنین شرایطی منطقاً می بایست مقاومت مشترک و آگاهانه در برابر برنامه ها و توطئه های گردانندگان رژیم به امری ضرور و مبرم در مبارزات فعالین دانشجویی دگراندیش تبدیل شود.

#### وضعیت فعالین تشکل های دانشجویی در شرایط سرکوب

روشن است که اصلی ترین، پیگیر ترین و رادیکال ترین موتور حرکت تحول طلبی در داخل کشور قشر جوان و به ویژه دانشجویان هستند. فشارها و هزینه ها علیه فعالین تشکل های دانشجویی بسیار بالا و سنگین است. در دانشگاه های ایران طیف های متنوعی از فعالین دانشجویی وجود دارند و در سطح دانشگاه های ایران به اشکال گوناگون فعالیت می کنند. بعد از آمدن احمدی نژاد به قدرت، منطقی به نظر می رسد که راه برای نزدیکی طیف ها و گرایش های مختلف دانشجویی در دانشگاه ها هموار شود. به ویژه آن که در حال حاضر جریانات سکولار در دانشگاه های کشور اکثریت فعالین را با خود همراه دارند. در ضمن همواره میان فعالین دانشجویی در دانشگاه های ایران به دلیل وجود تنوع و تفاوت های گوناگون، بحث ها و گفتمان های بسیاری صورت گرفته و می گیرد و این در تاریخ جنبش دانشجویی موضوع عجیب و غریبی به نظر نمی آید. به علاوه فعالین گرایشات متنوع دانشجویی در فعالیت های اجتماعی- سیاسی خود تنها هنگامی می توانند فشارها را خنثی و به وظایفی که در برابر آنان قرار گرفته عمل کنند که قادر شوند با وسیع ترین نیروی دانشجویان همراه باشند. این جنبش در کلیت خود با مشارکت گسترده ترین بخش های دانشجویان قادر است در جهت تحقق خواست های دمکراتیک خویش عمل کند. چنین جنبشی تنها در شرایطی می تواند شکل گیرد که منعکس کننده خواست های مشترک اکثریت قاطع دانشجویان باشد و سازمان های هدایت کننده آن، دانشجویان را نمایندگی کنند. همچنین قابل تاکید است که شرایط سرکوب و اختناق می تواند مشکلات و موقعیت های متفاوتی را در میان فعالین گرایشات دانشجویی ایجاد کند و مباحث و گفتمان های داغ، رادیکال و افشاگرانه را به جای بحث های عقلانی و منطقی به وجود آورد. روشن است که حکومت با امکاناتی که دارد می تواند بهتر و راحت تر در تقویت این اختلاف ها و ایجاد فاصله میان طیف های دانشجویی استفاده کند. حرکت مشترک در برنامه ۱۶ آذر در سال گذشته این نظر را تقویت کرد که سمتگیری دانشجویان به کار مشترک تقویت شده است. اما حوادث بعد از ۱۶ آذر و اتفاقات دیگر چنین خوش بینی را کاهش داد. دریک سال گذشته همگرایی میان فعالیت های دانشجویی تضعیف و نیز تحمل گرانی، احترام به حق انتخاب نوع فعالیت و دگر اندیشی در طیف های مختلف دانشجویی همچنان در سطح پائینی بوده است. متأسفانه نقد و انتقاد نسبت به روش ها و سیاست های مبارزاتی در میان فعالین دانشجویی هنوز شکل

افشاگری به خود دارد. البته این حق هر طیف دانشجویی است که سیاست ها و برنامه های گرایش های دیگر دانشجویی را نپسندد و روش دیگری را در مبارزه خود اتخاذ کند و این قابل فهم است. اما ماندن فقط در سطح اختلافات نمی تواند به نفع کل جنبش دانشجویی تمام شود و باید مبارزه را در این سطح نگه نداشت. در این بین مناسب است که جریان های دانشجویی با اتخاذ سیاست ها و برنامه های روشن و شفاف رابطه میان خود را تقویت و گسترش دهند. وجود اختلاف امری طبیعی در میان تشکل های دانشجویی است و به هیچ وجهی نباید این تفاوت ها در جهت گرفتن فاصله و عدم همکاری ها منجر شود. نیروهای سکولار دانشجویی برای مقابله با سرکوب راهی جز متحد عمل کردن ندارند.

در ضمن در یکی دو سال گذشته این جور به نظر می رسید که بحث های تند و افشاگرانه فعالین دانشجویی در دانشگاه های کشور بیشتر میان جریانات لیبرال و یک بخش از چپ رادیکال صورت می گیرد. اما متأسفانه این برخورد ها در سال ۸۶ در سطوح مختلف فعالین دانشجویی گسترش یافته و نیز در این عرصه، نیروهایی از بیرون دانشگاه به این نوع بحث های تفرقه افکنانه، حذفی و افشاگرانه به اشکال گوناگون مدام دامن می زنند و به این ترتیب سعی می کنند در امور و مسائل دانشجویی دخالت و یارگیری کنند. چنین دخالت های از بیرون دانشگاه کمک به رواداری، احترام به دگر اندیشی و عقلانی شدن گفتمان ها در دانشگاه ها میان فعالین دانشجویی نمی کند.

### اهمیت و حساسیت دانشگاه برای حکومت

حضور نزدیک به دو میلیون دانشجو در دانشگاه های ایران و نقش و تاثیر دانشجو در میان مردم و تجربه مستقیم حکومت در این عرصه باعث افزایش حساسیت نسبت به فعالین دانشجویی در دانشگاه های کشور شده است. در واقع چنین سطحی از سرکوب و حساسیت حکومت نشانگر اهمیت و جایگاه دانشگاه و دانشجو در سطح جامعه است. در سطح مراکز عالی دانشجویان بطور روزانه در دانشگاه جمع می شوند و رفقای همکلاسی خود را می بینند و با آن ها ارتباط دائم و روزانه دارند. برای دانشجو امکان تبادل نظر و گفتگو به طور روزانه در دانشگاه فراهم است و این می تواند به سازماندهی حرکات اعتراضی منجر شود. به دلیل حضور روزانه صدها هزار دانشجو در دانشگاه ها و دانشکده ها، امکان خبر رسانی افزایش می یابد و از این طریق می شود نیروی وسیعی را تحت تاثیر قرار داد. یعنی این که امکان تهییج و تبلیغ با تمام محدودیت هایی که در دانشگاه وجود دارد، امکاتپذیر است. دانشجو امکان ارتباط با افشار و طبقات بیرون از دانشگاه را دارد و به دلیل وجود تقریباً " دو میلیون دانشجو، در صورت هماهنگی امکان تاثیرگذاری و خبر رسانی را می تواند در سطحی بالا پیش ببرد. به ویژه اینکه در سال های اخیر تشکل های دانشجویی با رسیدن به نقد قدرت و استقلال یابی از حکومت و احزاب سیاسی درون حکومتی، منطقاً می بایستی بهتر و همه جانبه تر از گذشته عمل می کردند اما وجود پراکندگی و اختلافات در عرصه فعالیت های دانشجویی موانع زیادی را در دانشگاه ها، میان گرایشات دانشجویی ایجاد کرده است. در ضمن در یک سال گذشته فشارها و هزینه ها بر علیه دانشجویان افزایش زیادی یافته است و این موارد باعث کاهش قدرت تاثیر گذاری آنان در جامعه و دانشگاه شده است. اما با توجه به تمام مشکلات فوق، باز هم از اهمیت و جایگاه دانشگاه و دانشجو به عنوان قشری پیشرو و پیشگام در جامعه کاسته نشده است و همین امر توجه و حساسیت حکومت و ارگان های امنیتی آن را نسبت به فعالیت گرایشات متنوع دانشجویی در دانشگاه ها در شرایط بحرانی کنونی بیش از گذشته افزایش داده است.

### هزینه فعالیت متشکل در دانشگاه

قابل توجه است که امروز سرکوب تنها مختص به جریانات و فعالین جنبش های اجتماعی که می خواهند از خط قرمزهای حکومت بگذرند، خلاصه نمی شود. دولت احمدی نژاد بگیر و ببندها و سرکوب را علیه افشار، طبقات و اقلیت های قومی و مذهبی روز بروز گسترش داده است و کلاً " نوک حمله اش علیه هر گونه اعتراض و حرکتی که به سازماندهی و تشکل یابی منجر می شود، متمرکز شده است.

تجربه، منافع و نیاز شرایط کنونی دانشگاه در این است که گرایشات دانشجویی برای گسترش مقاومت و اعتراضات در دانشگاه ها به یک استراتژی مشترک در جهت پایین آوردن هزینه های فعالیت های متشکل بپردازند. در واقع در برابر سرکوب شدید و سیستماتیک ارگان های امنیتی و قضائی رژیم، راهی برای فعالین دانشجویی جز اتحاد و اتحاد باقی نمانده است. امروزه مشغله ذهنی فعالین دانشجویی نباید تنها به دادن هزینه یک جانبه در مبارزه متمرکز شود. در ضمن روشن نیست که چرا دانشجویان به چگونگی پایین آوردن این هزینه ها ی سنگین در مبارزه شان توجه لازم نمی کنند؟ در ایران طبق آمار و ارقام در محیط دانشگاه شرایطی را ایجاد کرده اند که هر نوع فعالیت فعالین دانشجویی غیرحکومتی، با دادن هزینه مواجه شود! باید به بیرون آمدن از این فضا تلاش کرد. تلاش ها باید جمعی و بر اساس توافق باشد زیرا هزینه دادن ها هم نیز جمعی شده است و مختص فقط چند نفر یا یک گرایش دانشجویی نیست. پس با این حساب راهکارها در میان خود دانشجویان است که باید انتخاب و اجرا کنند. اگر دانشجویان با بحث، گفتگو و سپس توافق دست به انتخاب زنند بالطبع آمادگی بیشتری برای هزینه دادن خواهند داشت. حرکت بر اساس منافع عمومی دانشگاه و دانشجویان می تواند باعث تهییج و همکاری بدنه دانشجویی شود. دانشگاه برای مقاومت و

پیشرفت نیاز به همه جناح های دانشجویی دارد. در چنین صورتی است که می شود هزینه ها را پایین آورد. در ضمن مناسب است به صورت همه جانبه برای خنثی کردن سیاستی که می کوشد تشکل های دانشجویی را در برابر هم قرار دهد و هریک را جداگانه بی اثر و سرکوب کند، ایستاد و تشکل ها و گرایش های سیاسی دانشجویی لحظه ای نباید در این خصوص تردید کنند. زیرا این به منافع و آینده فعالیت آنان در دانشگاه مربوط می شود. دانشجویان باید به دخالت در امور مربوط به مسائل دانشجویی، ایجاد ضدیت در میان تشکل های متنوع دانشجویی، یارگیری و استفاده ابزاری کردن از آن ها از طریق نیروهای بیرون دانشگاه نقطه پایان بگذارند. دولت احمدی نژاد باید ببیند که سرکوب و بالا بردن هزینه ها علیه جنبش های اجتماعی و به ویژه جنبش دانشجویی برای دولت او نیز توأم با هزینه های زیادی در عرصه جهانی و داخلی خواهد بود و این جز از طریق انجام اقدامات مشترک امکانپذیر نیست! عدم وابستگی به جریانات حکومتی و غیر حکومتی و حفظ استقلال از اصلی ترین جهات موجودیت کنونی جنبش دانشجویی ایران محسوب می شود و به هیچوجهی نباید آنرا براحتی از دست داد. زیرا برای حفظ چنین ماهیتی شما فعالین دانشجویی در دوره های گذشته بسیار هزینه داده اید.

## ۱۶ آذر و گرایشات چپ دانشجویی

از ۱۶ آذر سال ۸۵ تا ۱۶ آذر ۸۶، با توجه به تجربه و بحث هایی که میان فعالین طیف های مختلف دانشجویی نسبت به چگونگی بزرگداشت روز دانشجو و فعالیت در دانشگاه وجود دارد، روشن شده است که هر جریان دگراندیش دانشجویی نگاه متفاوتی در عرصه های فوق دارد. به عنوان نمونه در دو سال اخیر در خصوص ۱۶ آذر، روز دانشجو، ارزیابی های متفاوتی برای برگزاری آن به وجود آمده است. عده ای این روز تاریخی را سمبل مبارزات چپ در مبارزات دانشجویی می دانند. عده دیگر با نگاه ابزاری به این روز توجه می دهند. عده ای خواهان تشکیل صف مستقل گرایش فکری خود برای این روز هستند. عده دیگر نگاهی انحصار گرایانه و اختصاصی نسبت به این روز تاریخی دارند و عده دیگری به دنبال تاکتیک های مناسب برای سهیم کردن هر چه بیشتر همه طیف های متنوع دانشجویی برای بزرگداشت این روز می باشند. امسال روشن بود که با وجود همه این تفاوت ها و انگیزه ها، تصمیم به بزرگداشت این روز تاریخی نسبت به سال گذشته در میان فعالین جریانات دانشجویی افزایش بیابد. اما بحث ها و اختلافات به وجود آمده و گرایش به داشتن صف مستقل و به یک عبارت اهمیت یافتن سازمان یابی مستقل برای ایجاد و اعمال اتوریته در میان جریانات دانشجویی در این دوره به شکلی مشخص به اشکال گوناگون تقویت شد و همین امر نشانگر این است که طیف های متنوع دانشجویی تا یافتن راهکاری مشترک میان خود، نیاز به زمان و تجربه بیشتر دارند. در واقع مناسب بود که در روز دانشجو گرایشات متنوع دانشجویی در جهت تقویت هر چه بیشتر صدای دانشگاه و مشخصاً "جنبش دانشجویی عمل می کردند و نه برای اعلام موجودیت و تحمیل اتوریته این یا آن طیف دانشجویی در دانشگاه.

در ضمن مناسب و منطقی بود که فعالین دانشجویی به این تفاوت ها و اختلافات توجه بیشتری مبذول می کردند و در ادامه فعالیت های خود شرایطی را میان خود از طریق گفتگو برای رسیدن به یک توافق مشترک به وجود می آورند تا بلکه از این طریق اکثریت بالائی از جریانات دانشجویی بتوانند در گرامیداشت ۱۶ آذر روز دانشجو خود را شریک و سهیم در فعالیت ها احساس کنند. با داشتن چنین نگرشی، دیگر بزرگداشت روز دانشجو نمی تواند در انحصار یک طیف از فعالین دانشجویی قرار گیرد زیرا این روز متعلق به همه دانشجویان است. ایجاد و حفظ فضای دمکراتیک در عین داشتن تفاوت در تاکتیک و ارزیابی ها می تواند توجه دانشجویان را به سمت همگرایی جلب و تقویت کند. در واقع ضرورت دارد تاکید شود که یکی از راه های جذب بدنه دانشجویی، تقویت فعالیت مشترک میان گرایش های متنوع دانشجویی در دانشگاه های ایران است. پاسخ به این خواست و نیاز ضرورت سرمایه گذاری در عرصه فوق را بیش از پیش در دانشگاه ها تقویت می کند.

۱۶ آذر ۱۳۸۶

امسال بر خلاف سال گذشته، بخشی از فعالین دانشجویی چپ آگاهانه و علناً بر آن شدند که آکسیون های مربوط به ۱۶ آذر را مشترک با دیگر جریانات دگراندیش دانشجویی برگزار نکنند. روشن است که دردانشگاه های کشور جریانات متفاوت و متنوعی از چپ وجود دارند و مشخصاً "فعالین چپ در دانشگاه ها در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روزنامه نگاری - به شکل کاغذی و اینترنتی-، ادبی، صنفی، علمی، تخصصی، ورزشی و ... به اشکال گوناگون فعالیت و حضور روزانه دارند. تجربه سال های گذشته گویای این است که چپ دانشجویی به همراه دیگر گرایشات دانشجویی توانسته است در حد توان و ظرفیت خود، دگراندیشی را در دانشگاه های ایران مطرح و تقویت کند. در ضمن تجربه سرکوب چپ در دانشگاه، در جامعه و مشکلات مربوط به آن می طلبد که جریانات دانشجویی چپ در چگونگی رابطه با احزاب و سازمان های چپ بیرون از دانشگاه با احتیاط، هوشیاری و دقت زیادی برخورد کنند. البته این منتفی نیست که جریانات چپ دانشجویی در این یا آن سیاست می توانند تحت تاثیر این یا آن گروه سیاسی قرار بگیرند. اما شما فعالین دانشجویی باید توجه داشته باشید که سازمان های چپ، به اضافه جریانات جمهوریخواه

سکولار، دمکرات و آزادیخواه هنوز نتوانسته اند پس از گذشت ۲۰ سال، اقدامی مشترک بر اساس برنامه یا پلاتفرمی حداقل را میان خود سازمان بدهند. صمیمانه و صادقانه بگویم که حتی بسیاری از آنان در عرصه اتحادها با ایجاد مانع جلوی فعالیت های مشترک را گرفته اند. متأسفانه چپ و دیگر نیروهای دمکرات در خارج و داخل کشور نیز، پرونده مثبت و قابل اتکائی در عرصه اتحادها ندارند و - در این جا به تفصیل هر که باشد کاری ندارم - در تحقق اتحاد در مانده اند. در چنین شرایطی پیروی از چنین نیروهایی در داخل و خارج کشور (تأکید می کنم: پیروی و نه مثلاً تعامل و تقرب انتقادی نسبت به این نیروها) به نفع فعالین جنبش های اجتماعی در ایران و به ویژه فعالین دانشجویی، نمی باشد! رهنمودها و شعارهای سرخ به ظاهر انقلابی و سوسیالیستی، بی آن که به نیاز اتحاد و اشتراک عمل در جنبش دانشجویی توجه داشته باشد و یا در صورت توجه به این نیاز فاقد پشتوانه ای واقعی از عمل کسانی باشد، که این شعارها را سر می دهند، نمی تواند و نباید منطقاً اعتمادها را برای همراهی با آنان در میان فعالین دانشجویی ایجاد کند. شما دانشجویان نباید قدم در راهی بگذارید که شکست از آن حاصل شود. من به عنوان یک فعال سیاسی چپ در خارج از کشور باید این حرف تلخ را به شما فعالین دانشجویی بزنم. شما باید این جسارت و شجاعت را داشته باشید که از نیروهای سیاسی موجود در خارج و داخل کشور فراتر بروید! به هر دلیل این نیروها قادر به انجام رسالتشان نشده اند. اتحاد و همکاری بر اساس توافقات، الزام پیروزی شما است و تاسی از نیروهای سیاسی موجود، محل این اتحاد می باشد! تجربه نیروهای سیاسی مختلف ایران، اعم از چپ، اصلاح طلبان و حکومتیان در کل، در استفاده ابزاری کردن از طیف های دانشجویی در دوره های تاریخی مختلف و حتی امروز بسیار حائز اهمیت و قابل تعمق است. به علاوه این منطقی و عاقلانه است که هر طیف دانشجویی به ویژه چپ ها به شکلی که مناسب می دانند برنامه ها و پروژه های خود را به میان دانشجویان ببرند. در واقع اشتراک مساعی تنها بر اساس بحث و گفتگوی دمکراتیک میان دانشجویان به وجود می آید. این متد برخورد باعث می شود که جریان چپ در دانشگاه ها به عنوان یک نیروی پیشرو و تحول طلب بیش از پیش شاخص شود. بازبینی و به روز کردن اندیشه ها، فرهنگ و رفتار سیاسی و اجتماعی، نو کردن سازماندهی فعالیت های دانشجویی با شرکت دادن تمام طیف های متنوع چپ دانشگاه منجر به تقویت صدای مشترک چپ و بدنه آن در دانشگاه ها می شود. اما در این بین نباید فراموش شود که این فعالیت ها و مبارزات در شرایط سرکوب با دشواری های بسیاری مواجه خواهد شد. در سال های گذشته چپ های دانشجویی توانستند با تلاشی وسیع و همه جانبه دوباره حضور خود را در دانشگاه های کشور مطرح و تضمین کنند. هنوز چپ های دانشجویی با عوامل نامساعد زیادی برای جلب نظر دانشجویان و مردم مواجه هستند. چپ های دانشجویی قدرت فراگیر شدن و فرا رفتن در دانشگاه را هنگامی به دست می آورند که توانسته باشند نیروهای متنوع خود را از طریق گفتگو و توافق بر سر یک پروژه مشخص به صورتی دمکراتیک در درون دانشگاه های کشور متحد کرده باشند. چپ به دلیل سرکوب و نیز وجود گرایشهای دیگر دانشجویی به تنهایی نمی تواند مبارزه علیه استبداد و دفاع از منافع دانشگاه را پیش برد. این به نفع چپ های دانشجویی است که از طریق متحد شدن و همکاری و ارتباط مدام با دیگر طیف های دانشجویی حضور خود را در دانشگاه تقویت و گسترش دهند. دانشگاه برای پایین آوردن هزینه های فعالیت سیاسی و مقاومت در برابر دیوار استبداد نیاز به همه فعالین دانشجویی دگر اندیش دارد. کمک به یافتن شعارهای واحد برای ایجاد حدی از تمرکز در فعالیت های دانشجویی بسیار برای چپ می تواند مفید و موثر واقع شود. بزرگداشت روز دانشجو و یا سالگرد ۱۸ تیر متعلق به همه دانشجویان در سراسر کشور با هر اندیشه ای است. چپ های دانشگاه تنها با فعالیت و تلاش مشترک است که می توانند خود را به شکلی دمکراتیک و مدرن در فعالیت ها و زندگی دانشجویی به صورت همه جانبه مطرح و تثبیت کنند و نه با شعارهای غیر واقعی! جریانات چپ دانشجویی با ایجاد فضای بحث و گفتگو مناسب است هر چه بیشتر به تقویت همگرایی و توافق در جنبش دانشجویی یاری رسانند. روشن است که متشکل شدن جریانات دانشجویی شرایط را برای تقویت سازماندهی و ارتباط با دیگر جنبش های اجتماعی فراهم و تقویت می کند و پرچم آزادی و آزاد اندیشی در جامعه گسترش می یابد. در چنین وضعیتی است که گفتمان های دمکراتیک در دانشگاه و جامعه رو به رشد می روند و نیروی وسیعی در کشور در برابر استبداد و برای دمکراسی سازمان می یابد.

#### صف مستقل چپ

داشتن صف مستقل چپ در دانشگاه های ایران بخودی خود علی العموم مثبت و دارای اهمیت زیاد است. اما در دورانی که هنوز چپ های دانشگاه از سازماندهی و تشکل لازم برخوردار نیستند و سازماندهی برای ادامه کاری به شکل وسیع وجود ندارد و این که هنوز بحث ها و گفتگوها برای پیشبرد برنامه مشترک به نتیجه مشخص و لازم برای برآمد بیرونی نرسیده است، آیا ضرورت دارد که یک بخش از چپ دانشجویی تصمیم به این بگیرد که به عنوان یک طیف از یک مجموعه، صدای خود را به شکل علنی و مستقل از دیگر جریانات دانشجویی و حتی بدون آمادگی دیگر طیف های چپ دانشجویی از طریق یک تجمع در دانشگاه اعلام بیرونی کند؟ آیا این باعث بالا رفتن هزینه ها برای خود این دوستان و دیگرگرایشهای چپ در دانشگاه نمی شود؟ آیا چنین حرکتی دیگر جریانات دانشجویی را در برابر کار انجام شده برای قبول اتوریتیه یک بخش از چپ بدون بحث و توافق قرار نمی دهد؟ اعلام رسمی بیرونی جهت تثبیت اتوریتیه خود درمیان دیگر فعالین طیف های چپ دانشجویی و نیز مطرح کردن خود در میان دیگر طیف هایی که

خود را در چارچوب چپ تعریف نمی کنند و دارای گرایشات لیبرال، ناسیونالیست، قومی و ملی و مذهبی می باشند شاید از عمده دلایل سازمان دهندگان حرکت اخیر باشد. با توجه به اعلانات علنی که در سطح فعالین چپ دانشجویی انتشار یافته است روشن شد که بعد از به وجود آمدن اختلافات تنها بخشی از فعالین چپ دانشجویی در سازماندهی حرکات دانشجویی در روز ۱۳ آبان فعالیت مشخص تبلیغاتی انجام دادند و در آن روز با شعارهای خود به تظاهرات آمدند. البته هنوز روشن نیست که آیا این دوستان در شرایط کنونی نسبت به انجام اقدام خود به اندازه کافی به هزینه ها و آینده کاری فعالیت های گرایشات چپ در درون دانشگاه ها مکث کافی داشته اند؟ آیا در شرایط سرکوب و انواع فشار و آزار و اذیت ها علیه فعالین دانشجویی و نیز وجود انشقاق میان طیف های متنوع چپ، چنین حرکت یک جانبه ای به نفع کدام یک از جریانات چپ تمام خواهد شد؟ واقعیت این است که در این عرصه جمهوری اسلامی بدون مانع از افتراق به وجود آمده میان طیف های چپ دانشگاهی و نیز مجموعه فعالین دانشجویی استفاده کرده و دست به سرکوب فعالین چپ در دانشگاه زده است. تجربه ناخوشایند دستگیری بیش از ۳۰ فعال دانشجویی از طیف چپ و افزایش سرکوب و اختناق می بایست باعث ایجاد تغییراتی در نوع سازماندهی و فعالیت طیف های متنوع چپ دانشجویی در دانشگاه ها شود!

دانشگاه چگونه می تواند عمل و مقاومت کند؟

مبارزات دانشجویی در دانشگاه باید شرایطی فراهم کند که هردانشجویی بتواند جایی برای فعالیت و ابراز نظر خود داشته باشد. مناسب و عقلانی است که در میان گرایشات متنوع دانشجویی گفتگو و تعامل هر چه بیشتری در دانشگاه ها صورت گیرد. تنوعات و هویت های گوناگون باید میان جریانات دانشجویی به رسمیت شناخته شود. باید از حق تشکل یابی در سطح دانشگاه های ایران به صورت همه جانبه و مشترک حمایت کرد. محکومیت دستگیری دانشجویان چپ توسط دیگر تشکل های دانشجویی در سطح دانشگاه های کشور را باید به فال نیک گرفت و از این فرصت برای دفاع از منافع دانشگاه و دانشجو استفاده کرد. طبق آمار موجود بیش از ۶۰ دانشجو در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برند. دفاع از آزادی دانشجویان زندانی می تواند به عنوان خواستی اساسی میان طیف های متنوع دانشجویی فضای همکاری برای فعالیت مشترک را ایجاد کند.

در واقع روشن است که تفاوت ها در جامعه، در دانشگاه، در میان احزاب و سازمان ها به عینه وجود دارند. باید به این تفاوت ها احترام گذاشت و درعین داشتن اختلافات به اشتراکات نیز اندیشید و بر اساس آن، حرکت مشترک را سازمان داد. انجام یک کار مشترک وسیع میان طیف های متنوع دانشجویی در سطح دانشگاه های کشور می تواند باعث تقویت حرکت های دانشجویی شود و این در مجموع به نفع جنبش دانشجویی تمام می شود. امروز طیف های متنوع دانشجویی باید به چگونگی پیش بردن فعالیت های مشترک در درون دانشگاه ها بیشتر بپردازند. برای مبارزه علیه استبداد حاکم و دفاع از منافع دانشگاه، نیروهای دانشجویی می بایست زبان مشترک حداقل پیدا کنند و راهکار دیگری در این عرصه وجود ندارد.

منبع: گویا نیوز